

طراحی نظام خدمات رسانی حاشیه کلان‌شهر مشهد با تأکید بر محور جاده قدیم قوچان، مهین
اسفراینی، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد تهران،
۱۳۸۳.

چکیده

هدف از بررسی این موضوع، شناخت وضعیت خدمات رسانی در قالب خدمات زیربنایی
آموزشی، فرهنگی - مذهبی، ورزشی، بهداشتی - درمانی و رفاهی، تولیدی و اداری و سیاسی انتظامی
است. روش تحقیق مطالعه اسنادی گزارشات و متون و مراجعه به مراکز بخشداری مرکز و شوراهای
مربوط می‌باشد و در نهایت پیش بینی مکانهای استقرار خدمات را در محدوده مورد مطالعه صورت
می‌گیرد. نتایج بررسی نشان می‌دهد که محدوده مورد مطالعه، از اکثر خدمات شهری که در بالا ذکر
شده است، بی بهره، یا در حد بسیار ناچیزی بهره‌مند می‌باشد.

- عبادی‌نژاد (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش حاشیه‌نشینی در بروز ناامنی» ابتدا به بررسی عوامل
مؤثر در پیدایش حاشیه‌نشینی با تکیه بر نظریات شهرنشینی پرداخته است که عوامل چون مهاجرت،
پایین بودن سطح مهارت و تحصیلات مهاجرین، تراکم جمعیت، ساختار نامناسب بازار کار، توزیع
نامناسب و تمرکز گرایی در امکانات شهری را از عوامل مرتبط با پدیده حاشیه‌نشینی دانسته است.
سپس به تأثیر پدیده حاشیه‌نشینی در بروز ناامنی‌هایی چون به ناامنی شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی
پرداخته است که در مجموع حاشیه‌نشینی امنیت اجتماعی حاشیه شهرها را به شدت تحت الشعاع قرار
می‌دهد.

- نقد و بررسی برخی تحقیقات انجام شده

- رحمانی (۱۳۸۴) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی دیدگاه و انتظارات خبرگان و رهبران محلی
حاشیه شهر مشهد» به بررسی وضعیت ناهنجاریهای اجتماعی، ساخت و سازهای غیر مجاز، خدمات
سازمانهای شهری و علل مهاجرت افراد به حاشیه شهر از دیدگاه خبرگان محلی پرداخته است. بررسی
طرح نشان می‌دهد که فاقد چکیده‌ای مختصر و لازم است. مفاهیم اساسی تحقیق، تعریف مفهومی و
عملیاتی نشده است. مفاهیمی چون: حاشیه‌نشینی، خبرگان محلی، دیدگاهها و انتظارات خبرگان
محلی، پیامدهای حاشیه‌نشینی. طرح فاقد چهارچوب تئوریک و بررسی پیشینه تحقیقات است و این
فقدان، ضعف جدی است. در فصل سوم ادعا شده است که تحقیق از نوع همبستگی و همچنین از
نوع علی - قیاسی است. در حالی که در هیچ جای فصل چهارم تحقیق هیچ نوع آزمونی که بیانگر
ارتباط بین دو یا چند متغیر یا تبیین علی متغیر وابسته باشد وجود ندارد. همچنین مبنای انتخاب حجم

نمونه نیز توضیحی داده نشده است. در فصل چهارم برخی متغیرهای توصیفی چون سن، سطح تحصیلات، موقعیت اجتماعی خبرگان نیز به نمایش نموداری می‌باشد که انجام نشده است. در فصل پنجم به دلیل فقدان یک چهارچوب تئوریک و عدم بررسی تحقیقات پیشین، تحلیل و تفسیر نتایج به دست آمده به طور مطلوبی صورت نگیرد. پیشنهادات و راهبردهای ارائه شده در فصل پنجم، مبتنی بر نتایج تحقیق نیست و صرفاً بیان مکرر حدسیات و فرضیات و بدیهی و روزمره در بین افراد است. به محدودیت‌های تحقیق اشاره نشده است و شیوه نگارش و ارجاع به منابع و مأخذ در پایان تحقیق به هیچ وجه براساس اصول رایج علمی (مندرج در مجلات علمی - پژوهشی) نیست و در قسمت ضمائم نسخه‌ای از پرسشنامه طرح ارائه نشده است.

- در تحقیق اسفراینی (۱۳۸۳) در بیان مسئله، مسئله تحقیق به طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است و ابعاد مسئله شکافته نشده است و تنها به چند سؤال کلی محدود شده است. اهداف تحقیق به صورت کاملاً مبهم بیان شده است. فرضیات تحقیق علاوه بر اینکه با مسئله و اهداف تحقیق همسانی ندارد از زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر توزیع خدمات (موضوع تحقیق) بحث می‌کند، مفاهیم اساسی تحقیق نیز تعریف عملیاتی نشده‌اند. از رویکردهای نظری مطرح شده هیچ استفاده‌ای به عمل نیامده است و فرضیات تحقیق هیچ گونه ارتباط منطقی با چهارچوب نظری ندارند، علاوه بر اینکه تحقیق فاقد یک چهارچوب تئوریک و مدل تبیینی منسجم است. همچنین در تدوین فصول تحقیق و منابع و مأخذ و تدوین گزارش تحقیق، اصول و معیارهای رایج علمی رعایت نشده است و در نهایت در فصل پایانی تحقیق هیچ گونه تحلیل و تفسیری از نتایج به دست آمده در ارتباط با تحقیقات پیشین رویکردهای نظری صورت نگرفته است.

- ابراهیم زاده و دیگران (۱۳۸۳) در تحقیقی به بررسی شناسایی ناهنجاریهای شهری پرداخته‌اند که نتایج به دست آمده نشان داده است که بررسی این ناهنجاری‌ها محدود به ناهنجاریهای شغلی و مسکن می‌باشد که در اینجا لازم بود که ناهنجاریها در یک فهرست کلی تر که در بردارنده ناهنجاریهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشد و با توجه به اینکه محدوده تحقیق مطالعه موردی بوده است مستلزم آن می‌باشد که مورد مطالعه باید مورد بررسی همه جانبه قرار گیرد در مجموع می‌توان این طور ارزیابی کرد که نقایص روش شناختی و مفهومی در این تحقیق دیده می‌شود.

- ایمانی جاجرمی در تحقیقی با عنوان «حاشیه نشینان: نگاهی به مسئله اسکان غیر رسمی در مشهد» به روش «ارزیابی سریع» به عنوان روش گردآوری داده‌ها اشاره کرده است که در چهارچوب

روشهای معتبر تحقیقات کمی و کیفی قرار نمی‌گیرد. همچنین در بخش نتایج تحقیق رشد بخش دولتی در شهر مشهد را یکی از مهمترین علل پدیده اسکان غیر رسمی عنوان کرده است و در پایان بیشتر به بررسی پیامدهای مسئله اسکان غیر رسمی پرداخت است تا خود مسأله و ابعاد آن. که در اینجا می‌توان مسئله مذکور را از دریچه نهادهای درگیر در بازار عرضه و تقاضای مسکن بررسی نمود.

- در تعریف از حاشیه‌نشینی چه به لحاظ مفهومی و چه عملیاتی و مصادیقی آشفتگی مفهومی زیاد دیده می‌شود.

- احمدیان (۱۳۷۱) حاشیه‌نشینی را اینگونه تعریف می‌کند:

حاشیه‌نشینان مهاجران روستایی هستند که به دلیل پایین بودن سطح مهارتهای فنی و سواد فرهنگ نمی‌توانند جذب شهر شوند، لذا در زمینهای نامرغوب حاشیه شهر (به صورت مجاز یا غیر مجاز) سکونت می‌کنند» (احمدیان، ۱۳۷۱: ۸۱۹).

در این تعریف دو اشکال اساسی دیده می‌شود: اینکه قصد شده است حاشیه‌نشینی را از طریق توصیف ویژگیهای حاشیه‌نشینان تعریف نماید؛ دوم اینکه در تعریف حاشیه‌نشینان بیشتر به تبیین علی وضعیت حاشیه‌نشینان پرداخته است تا توصیف آنان.

ابعاد و شاخصهای متغیرهای تحقیق

حاشیه‌نشینی	متغیرهای میانی	نظام فرهنگی	پیامدها بر نظام فرهنگی
<ul style="list-style-type: none"> -ضعف در تعلق مکانی -شرایط کالبدی نامناسب -ساخت و سازهای غیر مجاز -ضعف اقتصادی خانواده‌ها -در تأمین نیازهای روزانه -شکاف عمیق بین خواسته‌ها و داشته‌ها(نارضایتی از زندگی) -پایین بودن سطح عمومی 	<ul style="list-style-type: none"> باورها نگرشها و رفتارهای حاشیه‌نشینان 	<ul style="list-style-type: none"> -ارزشهای حاکم بر زندگی شهری(احترام به دیگران، امنیت، صداقت؛ رعایت امانت، رعایت حقوق شهروندان و ...) -هنجارهای حاکم بر روابط افراد (برخورد مناسب با شهروندان، 	<ul style="list-style-type: none"> -ایجاد درگیری‌های جمعی در سطح شهر -عدم استقبال از برنامه‌های فرهنگی (شهرداری و ...) -ایجاد مزاحمت و ناامنی در سطح شهر -عدم همکاری و مشارکت در طرحهای شهری و کانونهای فرهنگی - اجتماعی

<p>-شکل گیری خرده فرهنگ های کجرو (باندهای خیابانی مزاحم و ...)</p> <p>-شکل گیری تصورمنفی نسبت به محیط پیرامون</p> <p>-کاهش شاخص رضایت از زندگی در بین شهروندان</p> <p>-کاهش شاخص استفاده از کالاهای فرهنگی خانوار</p> <p>-افزایش شاخص آمار جرایم در سطح شهر (اعتیاد، سرقت)</p> <p>-افزایش شاخص بیسوادی یا کم سوادی</p> <p>-کاهش شاخص احساس امنیت اجتماعی</p> <p>-کاهش شاخص گرایش (پیروی از قانون)</p>	<p>رعایت کردن نوبت دیگران در مواقع مختلف، پرهیز از ایجاد مزاحمت برای همسایگان و ...)</p> <p>-نگرشهای رایج در بین شهروندان (نگرش متعادل و واقعی نسبت به مسئولین و سازمانهای شهری، نگرش مثبت به شهروندان، احساس مسئولیت در قبال جامعه شهری و ...)</p> <p>رفتارهای عینسی شهروندان</p>		<p>سواد</p> <p>-پایین بودن سطح مهارتهای تخصصی و عمومی</p> <p>-پایین بودن سهم سرانه فضای مسکونی</p> <p>-جرم زایی مناطق حاشیه نشین</p> <p>-حاکمیت روحیه تقدیر گرایی</p> <p>-چندگانگی فرهنگی</p> <p>-وجود احساس جدایی گزینی از مرکز شهر</p>
---	--	--	--

روش تحقیق

تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است: روش تحقیق، روش پیمایشی و مطالعه اسنادی است. از تکنیک پرسشنامه محقق ساخته برای سنجش دیدگاهها، نظرات و رفتارهای حاشیه نشینان و از تکنیک تحلیل ثانویه در بررسی مطالعات، گزارشات و تحقیقات انجام شده در حوزه حاشیه نشینی استفاده شده است.

جامعه آماری طرح دو گروه بوده است: گروه اول خانوارهایی که در مناطق حاشیه شهر مشهد زندگی می کنند؛ گروه دوم مطالعات و تحقیقات انجام شده در حوزه حاشیه نشینی و مطالعات شهری. حجم نمونه خانوارهای حاشیه نشین براساس فرمول کوکران، ۱۸۸ خانوار در نظر گرفته شده است، براساس اطلاعات جمعیتی مدیریت ساماندهی حاشیه شهر مشهد (۱۳۸۲) ۳۶/۲ درصد جمعیت مناطق حاشیه نشین گروههای سنی ۲۰سال به بالا راتشکیل می دهد. اگر فرض را براین بگیریم که نیمی

از این درصد راسرپرست خانوارها تشکیل دهند، ۱۸/۱ درصد جمعیت مذکور مخاطبان مورد نظر ما هستند، از طرف دیگر اگر متوسط تعداد اعضای خانوارهای ماشیه نشین ۵،۵ نفر در نظر بگیریم با توجه به جمعیت ۷۰۰/۰۰۰ نفری ماشیه نشینان (به نقل از آمار مدیریت ساماندهی ماشیه شهر مشهد ۱۳۸۲) بطور تقریبی ۱۳۰۰۰۰ (۱۸/۱ درصد جمعیت کل) خانوار ماشیه نشین خواهیم داشت. به طور اجمالی می توان قسمت اعظمی از خانوارهای ساکن در مناطق شرق، شمال شرق، جنوب شرقی و شمال غرب مشهد را خانوارهای ماشیه نشین دانست. و در اینجا مناطقی مد نظر است که خارج از محدوده خدمات شهری شهرداری قرار دارند. حجم نمونه تحقیقات مکتوب ۲۵ طرح (بطور توافقی با کارفرما) در نظر گرفته شده است.

$$n = t^2 * s^2 / d^2 / (1 + 1/N) (t^2 * s^2 / d^2 - 1)$$

که در آن:

$$130000 : N, 0.05 : d, 1.96 : t, 0.34 : S$$

$$n = 3/84 * 0.12/0.025/1 + 1/N(3/84 * 0.12/0.025 - 1) = 188$$

که در اینجا جهت افزایش اعتبار بیرونی نتایج تحقیق، حجم نمونه به ۲۵۰ نفر افزایش یافت.

شیوه نمونه گیری

از میان مناطق مختلف ماشیه ابتدا بر حسب مناطق ۱۲ گانه شهرداری (بجز سه منطقه ۱، ۱۱، ۱۲ که فاقد جمعیت ماشیه نشین می باشند) چهار منطقه (۲، ۶، ۷ و ۵) که بیشترین جمعیت ماشیه نشین را دارا هستند انتخاب و سپس از میان مناطق انتخاب شده تعدادی شهرک به تناسب حجم خانوار و حجم جمعیت ماشیه نشین ساکن در منطقه شهرداری مورد نظر، انتخاب شدند و از میان شهرکهای انتخاب شده به طور تصادفی ۲ بلوک انتخاب و منازل مورد نظر به طور دو در میان (۱، ۴، ۷، ۱۰ و ...) انتخاب و یکی از والدین مورد مصاحبه قرار می گرفتند. جدول زیر این وضعیت را نشان می دهد:

منطقه ۵	منطقه ۷	منطقه ۶	منطقه ۲
شهرک باهنر ۵۰ عدد	شهرک بهارستان ۵۵ عدد	شهرک بهشتی ۴۰ عدد شهرک شیرین ۳۵ عدد	شهرک نوده ۳۰ عدد شهرک مطهری ۴۰ عدد

شیوه های تحلیل داده ها

جهت توصیف داده‌ها از جداول توزیع فراوانی و جداول متقاطع و آماره‌های توصیفی نظیر میانگین، میانه و انحراف معیار استفاده شده است. جهت بیان ارتباط بین متغیرها آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون، اسپیرمن و تی تست و تحلیل واریانس به کار گرفته شده است.

- نتایج تحقیق

هدف اساسی تحقیق، تحلیل پیامدهای حاشیه نشینی بر نظام فرهنگی شهر مشهد با تأکید بر جنبه‌های آسیب‌زای آن است (نک. بندهاداف تحقیق).

محتوای نتایج این تحقیق تا حدودی از معنایی که به طور دقیق از عنوان تحقیق و اهداف آن مستفاد می‌گردد فاصله دارد و این امر به ویژگی خاص ماهیت تأثیرات و پیامدهای عناصر و واقعیتهای فرهنگی برمی‌گردد. هر عنصر فرهنگی به دلیل ذهنی بودن ماهیت آن، زمان زیادی را برای تأثیرگذاری بر محیط واقعیتهای دیگر لازم دارد و بر این اساس، مطالعه و بررسی این تأثیرگذاری نیز یک تحلیل روندی در طول زمان است و با انجام تحقیقات مقطعی نمی‌توان مسیر این روند را شناسایی و پیش بینی کرد. اما در این تحقیق حتی المقدور سعی شده است پتانسیل آسیب‌زای فرهنگی شیوه زندگی حاشیه نشینی از طریق شناخت دقیق و عینی آن، مورد تحلیل قرار گیرد. در نتیجه پیام نهایی این تحقیق ارائه وضعیتی مستند از پیامدهای آسیب‌زای فرهنگی شیوه زندگی حاشیه نشینی بر نظام فرهنگی - اجتماعی شهر مشهد است.

وجود شرایط اقتصادی - اجتماعی نامطلوب مزمن در زندگی حاشیه نشینان، براساس شاخصهای عینی نظیر پایین بودن سطح درآمد و توانمندی مالی، پایین بودن ضریب اشتغال و متوسط سطح تحصیلات، وجود ناامنیهای اجتماعی گوناگون از سرقت گرفته تا مواد مخدر و مزاحمت‌های خیابانی و غیره، نگرش و الگوهای رفتاری حاشیه نشینان را در تعامل با سازمانهای شهری و سایر شهروندان به سمت و سویی نامطلوب سوق می‌دهد. به گونه‌ای که شاهد یک ناامیدی عمیق از تغییر شرایط در بین حاشیه نشینان هستیم، در مشاهدات نگارنده از مناطق حاشیه نشین و مصاحبه با ساکنان این مناطق و گفته‌های ساکنان برخی از این مناطق در گزارش فیلم تهیه شده ستاد ساماندهی حاشیه شهر مشهد در سال ۱۳۸۲ این مطلب به وضوح دیده می‌شود. همین طور ارزیابی اکثریت آنان از وضعیت زندگی شان چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ وضعیت محله و وضعیت شغلی در حد منفی است. این ارزیابی منفی براساس تئوری تسری گرونبرگ (۱۹۷۴) خاصیت تسری پذیری دارد و در مواجهه با سازمانهای دولتی شهری و برنامه‌های آنها، در تعامل با همسایگان و دیگر شهروندان در مکانهای مختلف شهری، موضعی چندان مطلوب نخواهد داشت.

فقدان امکانات و مراکز تفریحی و فرهنگی معمول در مناطق حاشیه نشین، مسئله اوقات فراغت فرزندان خانواده را به ویژه در فصل تابستان تشدید می کند که با توجه به وضعیت نامناسب اجتماعی خیابانها و محله های این مناطق رانده شدن فرزندان به بیرون از خانه در ساعات اوقات فراغت آسیب پذیری بالایی به همراه دارد (پایین آمدن سن اعتیاد یکی از جلوه های چنین آسیبی است). نمونه های چنین پدیده ای را می توان در تجمع جوانان و نوجوانان در ساکن مناطق حاشیه شهر در مکانهایی مانند بلوار سجاد، سه راه راهنمایی در ساعات اولیه شب دانست که چند ساعتی را برای سرگرمی و تفنن صرف می کنند و در این زمان در تعامل با سایر جوانان دیگر نقاط شهر، تبادل احساسات، الگوهای رفتاری و نگرشها صورت می گیرد.

مسئله مشارکت اجتماعی شهروندان حاشیه نشین یکی دیگر از مسائلی است که در این تحقیق بررسی شده است. نتایج تحقیق حاضر و تحقیقات دیگر در این زمینه (رحمانی، ۱۳۸۴، وزارت ارشاد، ۱۳۸۰) گویای مشارکت ضعیف ساکنان مناطق حاشیه در فعالیتهای اجتماعی محله ای است. این ضعف مشارکت علاوه بر کاهش بصیرت اجتماعی افراد و حس مسئولیت پذیری در آنان، باعث به کار گرفته نشدن استعدادها و بالقوه آنان در فعالیتهای مختلف است و از طرف دیگر مشارکت در انجمنهای غیر دولتی می تواند دامنه تعاملات بین شهروندان و دولت را افزایش دهد و ارتباطات متقابل بین آنان را افزایش دهد.

«جوان بودن» ساخت جمعیتی حاشیه نشین (۶۳/۷ درصد جمعیت در گروه های سنی زیر ۲۰ سال واقع است) می تواند در شرایط متفاوت هم فرصت باشد هم تهدید. با توجه به نبود امکانات فرهنگی، تربیتی و آموزشی مناسب در این مناطق ضعف توانمندی مالی و فرهنگی خانواده ها، نمی توان انتظار بهره برداری مناسب را از «جوان بودن» جمعیت این مناطق داشت، در نتیجه عامل بالقوه مثبتی تبدیل به عامل بالفعل منفی در برخی شرایط نامناسب می گردد و این نیروی عظیم جوان برای دستیابی به فرصتهای شغلی و برخورداری از امکانات مستقر در مرکز شهر، به سوی نقاط مرکزی شهر هجوم می آورند و یا در سطحی خطرناکتر به صورت توده های ناراضی و آشوبگر علیه سازمانهای دولتی درمی آیند (نمونه آن در خرداد ماه ۷۲ اتفاق افتاد).

وجود مواضع منفی در بین ساکنان مناطق حاشیه نسبت به برخی سازمانهای شهری، مانع از بهره گیری مفید آنان از برنامه ها و فعالیتهای این سازمانها می شود، به ویژه مسأله برخورد با ساخت و سازهای غیر مجاز توسط شهرداری و یا حضور کمرنگ نیروهای انتظامی در این مناطق در تولید نگرشهای منفی مؤثر است. در نتیجه مواضع منفی درجه همکاری و مشارکت شهروندان را با این سازمانها به شدت تضعیف می سازد و این مواضع منفی در جریان زندگی روزمره در فرایند جامعه پذیری فرزندان و تعامل با همسایگان و افراد محل باز تولید می شود و در طول زمان به شکل یک

عقیده نسبتاً ثابت و عام در می‌آید که تغییر آن دشوار است. این وضعیت در حالی است که ما در نقاط قدیمی حاشیه نشین، با نسل سوم حاشیه نشینان مواجه هستیم. نگرش منفی نسبت به نحوه اجرای قانون، رعایت قانون نیز از دیگر موارد در این زمینه است. حضور کمرنگ مسئولان اجرای قوانین (نیروی انتظامی، دادگستری و غیره) در بین محلات حاشیه نشین این نگرش منفی را تثبیت و تشدید می‌کند.

تصور منفی ساکنان حاشیه نشینان از محل زندگی به لحاظ وجود جرائم مختلف، احساس امنیت اجتماعی و روانی را در آنان تضعیف می‌کند، و بدین ترتیب احساس هویت تعلق مکانی را در آنان کاهش می‌دهد و زمینه برای کاهش حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت در امور محله در آنان فراهم می‌شود. نتایج میدانی تحقیق حاضر نشان می‌دهد که ۷۰ درصد پاسخگویان حداقل وقوع یکبار جرائم (سرقت، اعتیاد، توزیع مواد مخرد و مزاحمت‌های خیابانی) را مشاهده کرده‌اند و قریب به ۵۰ درصد آنان دو بار و بیشتر وقوع این جرائم را مشاهده کرده‌اند. وجود این تصور منفی می‌تواند بیانگر دو واقعیت باشد: یکی واقعیت وجود خود جرائم در این مناطق و دوم ضعف بودن سیستم کنترل اجتماعی رسمی و غیر رسمی در این مناطق.

آمار بالای نزاع‌های دسته جمعی و اعتراضات گروهی این مناطق نسبت به کل شهر (به ترتیب ۸۶ و ۵۴ درصد) از دو طریق تأثیرات نامطلوبی بر فضای اجتماعی، فرهنگی این مناطق دارد. از یک طرف به تداوم نوعی فرهنگ خاص که براساس آن باید حق و حقوق خود را از طریق اعتراض و غضب به دست‌آورد و این در جریان زندگی روزمره در ذهنیت نسل جدید و جوان جای می‌گیرد (کارآ بودن راه‌های غیر قانونی در برابر شیوه‌های قانونی در دستیابی به خواسته‌های مشروع نظیر: آسفالت خیابان، آب شرب و ...) از طرف دیگر به شکل‌گیری نوعی خرده فرهنگ کجرو و باندهای خلاف کار تمایل به درگیر شدن و الگوهای رفتاری خشونت آمیز کمک می‌کند و به دلیل ضعف در سیستم کنترل اجتماعی، این الگوها و وقایع به شدت اشاعه پیدا می‌کند.

در پایان می‌توان گفت که شیوه زندگی حاشیه نشینی به دلیل خصوصیات و ابعاد خاصی که دارد (ر.ک: بخش الف این فصل) پتانسیل فرهنگی، اجتماعی آسیب‌زای بیشتری علاوه بر موارد یاد شده دارد که بررسی کامل آن نیاز به انجام تحقیقات طولی را می‌طلبد و در این زمینه می‌توان از یک مجموعه (complex) مشکلات و مسائل در هم پیچیده‌ای در سطوح مختلف در مناطق حاشیه نشین سخن گفت که حل هر کدام از این مشکلات به طور همزمان حل مسائل دیگری را می‌طلبد و در این رابطه شناخت ریشه‌ها و منشاء این مشکلات و معضلات در سطوح مختلف (کلان، میانه و خرد) زندگی حاشیه‌نشینی، ضروری به نظر می‌رسد به گونه‌ای که در این مناطق از زوایه‌های مختلف چه محیط بیرونی، چه برنامه‌ریزی‌های دولت و چه موقعیت افراد دامنه‌ای از نابسامانیها و آسیبه‌ها را

می‌توان مشاهده کرد. به عنوان مثال موقعیت یک دانش‌آموز را در این مناطق در نظر بگیرید؛ خانواده‌ای که او در آن زندگی می‌کند به لحاظ موقعیت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در مرتبه پایین‌تری از حد متوسط جامعه قرار دارد، محله‌ای که او در آن با همسالان خود در تعامل است به لحاظ آسیب‌پذیری اجتماعی (وجود جرائم مختلف سرقت، مواد مخدر و ...) وضعیت بسیار نامناسبی دارد. مدرسه‌ای که او در آن تحصیل می‌کند به لحاظ امکانات آموزشی - تربیتی و فوق برنامه در حد نامناسبی قرار دارد، مکان مناسبی برای تفریح و پرکردن اوقات فراغت او وجود ندارد. والدین او برنامه‌ریزی برای آینده تحصیلی و شغلی او ندارند؛ چرا که نه توانمندی مالی این کار را دارند نه به لحاظ فرهنگی چنین ایده‌های دارند و نه به لحاظ روانی، سرمایه چنین برنامه‌ای را دارند و بسیاری از شرایط نامناسب مادی، فرهنگی و اجتماعی دیگر ... حال با این وضعیت، این دانش‌آموز مثالی ما چقدر می‌تواند در نظام فرهنگی شهر به عنوان یک کنشگر فرهنگی مثر ثمر باشد؟ انگیزه‌ها، نیت و تواناییهای فردی او - به زبان جامعه‌شناسی نقش عاملی او (agentic) تا چه حد باید قوی باشد تا برخلاف موانع موجود در سطوح کلان، میانه و خردی که وجود دارد بتواند به موقعیتهایی دست یابد؟ به نظر می‌رسد تمامی مشکلات بحث شده در بالا به مانند حصاری است که این دانش‌آموز را در بر گرفته و رهایی از این حصار برایش تقریباً غیر ممکن است. با این اوصاف او در ورود به جامعه شهری احتمال این که با دیگر شهروندان و گروههای شهری، سر‌ناسازگاری داشته باشد بیشتر است تا سر همسانی و توافق. این یک نمونه مثالی از یک فرد پرورش یافته با شیوه زندگی حاشیه‌نشینی است، گرچه ممکن است در واقعیت انحرافی از این نمونه مورد نظر وجود داشته باشد، اما به عنوان یک ابزار تحلیلی می‌تواند در برآورد احتمال تشخیص پتانسیل آسیب‌پذیری پیامدهای حاشیه‌نشینی بر نظام فرهنگی شهر به کار آید.

راهکارها و پیشنهادها

ارائه راهکارهای عملی در جهت کاهش آسیبها و مسائل ناشی از حاشیه‌نشینی نیازمند ریشه‌یابی خود معضل حاشیه‌نشینی است که سر‌منشا آن به محیطهای روستایی و شهری مهاجر فرست برمی‌گردد. تا زمانی که سیاست تمرکز گرای دولت در زمینه سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی، اجتماعی تغییر نکند مسائلی چون حاشیه‌نشینی، فقر و ... همچنان وجود خواهد داشت و در طول زمان باز تولید خواهند شد. در نتیجه راهکارهایی که در اینجا ارائه می‌شود ناظر به برنامه‌های کوتاه مدت و مقطعی است که می‌تواند از گسترش دامنه آسیبهای فرهنگی، اجتماعی، ناشی از حاشیه‌نشینی تا حدودی جلوگیری کند، اما منجر به ریشه کن شدن این آسیبها نخواهد شد:

۱. توانمندسازی همه جانبه حاشیه نشینان با رویکرد مشارکت محله‌ای (وجود نیازهای مشترک و عمیق در بین حاشیه نشینان می‌تواند عامل درونی قوی‌ای جهت مشارکت در پروژه‌ها و برنامه‌های مختلف شهری باشد) (دراین خصوص ر.ک: رحمانی، ۱۳۸۴).
۲. تقویت امکانات فرهنگی، اجتماعی در نقاط حاشیه نشین جهت استفاده بهینه از اوقات فراغت نوجوانان و جوانان.
۳. تقویت و گسترش ارتباط بین ساکنان حاشیه نشین و مسئولین سازمانهای شهری جهت تقویت نگرش مثبت در آنان نسبت به سازمانهای شهری.
۴. افزایش حضور نیروی‌های انتظامی و کلاتریها در این مناطق جهت ارتقاء ضریب امنیت اجتماعی و گسترش کنترل اجتماعی.
۵. ارائه یک برنامه جامع تقویت خدمات رسانی به این مناطق با مشارکت کلیه دستگاههای ذیربط.

-محدودیتهای تحقیق

۱. محدود بودن زمان اجرای طرح؛
- ۲-عدم همکاری مطلوب برخی از دستگاههای ذیربط جهت ارائه اطلاعات؛
- ۳-کثرت تعدادمغیرها دربررسی وضعیت حاشیه نشینان که جمع بندی نهائی شاخصها را دچارمشکل می ساخت؛

فهرست منابع و مآخذ

۱. احمدیان ، محمدعلی(۱۳۷۱) « مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد « ، مشهد ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه فردوسی مشهد ، سال بیست و پنجم ، شماره سوم .
۲. اژدری، اسماعیل (۱۳۸۲) بازتاب مهاجرت‌های خارجی و داخلی بر مسائل سیاسی - امنیتی و اجتماعی مشهد از دیدگاه جغرافیا، طرح پژوهشی، ستاد ساماندهی حاشیه شهر مشهد، شهرداری مشهد.
۳. اسفراینی، مهین (۱۳۸۳) طراحی نظام خدمات رسانی حاشیه کلانشهر مشهد با تأکید بر محور جاده قدیم قوچان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران
۴. افروغ ، عماد (۱۳۷۷) فضا و نابرابری اجتماعی (ارایه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن) ، تهران ، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس
۵. افشارکهن، جواد(۱۳۸۲) درآمدی بر جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، نشر سایه هور، تهران
۶. بیله ور، علی اصغر (۱۳۸۰): « مقاله سکونتگاه‌های غیررسمی و روند توسعه ناپایدار در دومین کلانشهر مذهبی جهان (مشهد) » ، آرشیو شهرداری مرکزی مشهد ، پاییز .
۷. رحمانی، عباسعلی(۱۳۸۴) بررسی دیدگاهها و انتظارات خبرگان و رهبران محلی حاشیه شهر مشهد، مشهد، شهرداری مشهد
۸. شریعتی مزینانی، سعید (۱۳۸۲) بررسی تمایل جوانان و نوجوانان مشهد به انواع موسیقی و فیلم، طرح پژوهشی، فرهنگ و ارشاد خراسان
۹. سیدی، سیدمهدی(۱۳۸۴) تحلیل مکانی - فضایی مشکلات مراکز جمعیتی (شهر - روستا) حاشیه شهر مشهد با تأکید بر رویکرد مدیریتی، رساله دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد
۱۰. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱) گزارش ملی جوانان با تأکید بر شاخصهای فرهنگی، طرح ملی

۱۱. صدیق اورعی غلامرضا (۱۳۸۴) بررسی رضایت از عملکرد شرکت آب و فاضلاب مشهد، شرکت آب منطقه‌ای خراسان
۱۲. عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۷۹)، بررسی نحوه گذراندن اوقات فراغت در بین شهروندان ۳۰-۱۵ ساله، ارشاد خراسان
۱۳. عطاریان، نادره (۱۳۸۳)، بررسی اشکال و علل جرایم زنان و شیوه‌های پیشگیری و کنترل آن، طرح پژوهشی، جهاد دانشگاهی مشهد.
۱۴. محمودزاده، علی اکبر (۱۳۸۴) بررسی مسایل امنیتی اجتماعی ناشی از حاشیه نشینی در مشهد. مشهد
۱۵. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۰) ارزیابی احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر مشهد، جهاد دانشگاهی
۱۶. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۱) بررسی رضایتمندی مردم از سازمانهای خدمات رسان شهری، جهاد دانشگاهی
۱۷. مدیریت ساماندهی حاشیه شهر مشهد (۱۳۸۲) مطالعات راهبردی پیرامون معضل حاشیه نشینی، مشهد، شهرداری مشهد
۱۸. نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹) مبانی جامعه شناسی و معرفی تحقیقات کلاسیک، تهران، اسلامیه
۱۹. هادی‌زاده بزاز، مریم (۱۳۸۲) حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، مشهد، شهرداری مشهد
۲۰. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) ارزشها و نگرشهای ایرانیان، دفتر طرح‌های ملی وزارت ارشاد
۲۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) رفتارهای فرهنگی ایرانیان، دفتر طرح‌های ملی وزارت ارشاد